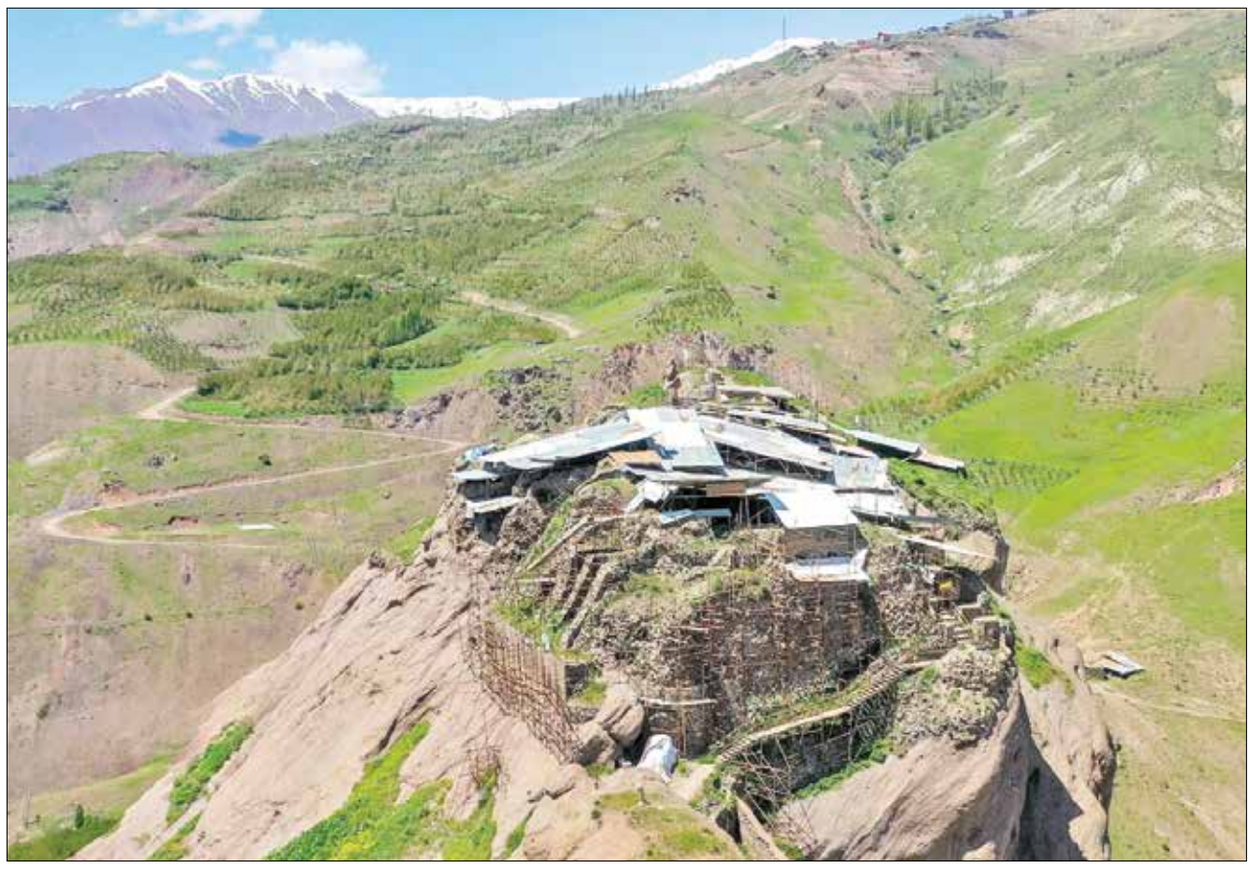

حمیده چوبک، باستان شناس و کاوشگر در گفت و گو با «ایران» روایت کرد

الموت؛ از شکوه تاریخ ایرانی تا ثبت جهانی

گزارش

نادر نینوایی
گروه زیست بوم

تصویر اشک شوق «حمیده چوبک»، چهره برجسته باستان‌شناسی ایران در اجلاس اخیر یونسکو و پس از اعلام ثبت جهانی «دژ الموت و استحکامات دفاعی وابسته به آن»، از آن قاب‌هایی است که به‌سادگی از حافظه دوستداران میراث فرهنگی پاک نمی‌شود. زنی که نزدیک به نیم‌قرن از عمر خود را وقف باستان‌شناسی ایران کرده و بیش از دو دهه، سنگ به سنگ قلعه الموت را کاویده، از آن پاسداری کرده و برای ثبت جهانی‌اش کوشیده است. لحظه اعلام ثبت جهانی «دژ الموت و استحکامات دفاعی وابسته به آن» در اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو، برای او پایان سفری طولانی و رسیدن به آرزویی بود که سال‌ها برای آن زیسته بود.

پشت ثبت جهانی الموت، سال‌ها پژوهش، کاوش، مرمت، مستندسازی و حفاظت نهفته است؛ سال‌هایی که در سکوت گذشت و کمتر دیده شد. در میان همه کسانی که در این مسیر سهم داشتند، نام حمیده چوبک بیش از دیگران با الموت گره خورده است؛ باستان‌شناسی که بی‌هیاهو، استوار و دور از خودنمایی، بخش بزرگی از زندگی حرفه‌ای خود را صرف شناخت و حفاظت از این میراث کم‌نظیر کرد تا نام الموت، از دل تاریخ ایران، به حافظه جهان راه یابد.

ما معمولاً ثبت جهانی یک اثر را در لحظه اعلام آن می‌بینیم؛ لوح یونسکو، پیام‌های تبریک و عکس‌های یادگاری. اما کمتر به راهی فکر می‌کنیم که پیش از آن پیموده شده است. راهی که با سال‌ها مطالعه، سختی، فرسودگی، امید و پایداری همراه بوده است. قلعه الموت نیز چنین مسیری را پشت سر گذاشت؛ مسیری که با تلاش ده‌ها باستان‌شناس، مرمت‌گر، مهندس، نیروهای بومی، مدیران میراث فرهنگی، مردم منطقه و خصوصاً با تلاش های حمیده چوبک به سرانجام رسید.

چوبک اما حاضر نیست این موفقیت را به نام خود بنویسد. او در گفت‌وگو با خبرنگار «ایران»، بارها بر یک نکته تأکید می‌کند؛ «ثبت جهانی الموت، حاصل کار یک نفر نیست.» از نگاه این کاوشگر قلعه الموت، این موفقیت نتیجه یک اراده ملی، ۲۵ سال پژوهش مستمر، چندین فصل کاوش باستان‌شناسی، مرمت علمی، مستندسازی، مشارکت جامعه محلی و همکاری ده‌ها متخصص است؛ تلاشی که سرانجام نام «دژ الموت و استحکامات دفاعی وابسته به آن» را در فهرست میراث جهانی یونسکو نشاند.

چوبک در این گفت‌وگو، از فراز و فرود این مسیر طولانی می‌گوید؛ از روزهایی که هنوز پایگاه پژوهشی مناسبی در الموت وجود نداشت تا کشف بخش های مختلف قلعه الموت، روشن شدن جایگاه علمی این دژ، نقش خواجه نصیرالدین طوسی، شکل‌گیری شبکه هفت قلعه دفاعی و برنامه‌هایی که باید پس از ثبت جهانی برای حفاظت از این میراث ارزشمند دنبال شود؛ روایتی از ربع قرن ایستادگی برای میراثی که امروز، نه فقط به ایران، که به همه جهان تعلق دارد.

روایتی از بیش از دو دهه تلاش برای جهانی شدن دژ الموت

ثبت جهانی «دژ الموت و استحکامات دفاعی وابسته به آن» در فهرست میراث جهانی یونسکو، نتیجه بیش از دو دهه پژوهش، کاوش، حفاظت، مرمت و مستندسازی است؛ مسیری که حمیده چوبک، باستان‌شناس برجسته ایران، از آغاز دهه ۱۳۸۰ مدیریت آن را برعهده داشت.

چوبک در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه ایران تأکید می‌کند: «من به‌تنهایی کاری انجام ندادم. از همان ابتدا گروهی از همکاران در کنار من بودند و ثبت جهانی الموت، حاصل یک برنامه ملی و تلاش جمعی است.»

این باستان‌شناس برجسته می‌گوید پیش از حضور او نیز پژوهشگرانی همچون فاطمه کریمی و حمزه کاظمی در الموت فعالیت می‌کردند و زمینه بسیاری از پژوهش‌ها را فراهم کرده بودند. به گفته او، در سال‌های بعد نیز گروهی از نیروهای بومی منطقه، باستان‌شناسان، کارشناسان، کارکنان پایگاه میراث فرهنگی، مسئولان اداره‌کل میراث فرهنگی استان، وزارت میراث فرهنگی و ده‌ها متخصص دیگر، هر یک سهمی در به ثمر رسیدن این پرونده داشتند.

به گفته این کاوشگر قلعه الموت، نقطه آغاز این مسیر به سال ۱۳۷۹ بازمی‌گردد؛ زمانی که سازمان میراث فرهنگی، پروژه‌های ملی ثبت جهانی آثار شاخص کشور را تعریف کرد و برای هر پرونده مدیری برگزید. مجموعه تاریخی الموت نیز یکی از این طرح‌های ملی بود و مسئولیت آن، با حمایت محمد بهشتی و مهندس جلیل گلشن، به حمیده چوبک سپرده شد؛ مسئولیتی که با همراهی و موافقت فاطمه کریمی، استاد و پیشکسوت او، آغاز شد.

چوبک می‌گوید فعالیت‌های اجرایی از سال ۱۳۸۰ با یک هدف مشخص آغاز شد؛ فراهم کردن مقدمات ثبت جهانی الموت. اما نخستین مانع، موضوعی بود که کمتر کسی از آن اطلاع داشت. با وجود شهرت جهانی قلعه الموت، این اثر هنوز در فهرست آثار ملی ایران ثبت نشده بود. از همین رو، نخستین اقدام گروه، ثبت ملی این دژ تاریخی بود؛ اقدامی که پایه همه برنامه‌های بعدی برای حفاظت، پژوهش و ثبت جهانی شد.

آن‌طور که چوبک می‌گوید، پس از ثبت ملی، کار سامان‌دهی و مرمت بخش‌هایی از قلعه که پیش‌تر توسط فاطمه کریمی کاوش شده بود، آغاز شد. همزمان، کاوش‌های باستان‌شناسی نیز به‌صورت نظام‌مند ادامه یافت و پایگاه میراث فرهنگی الموت در ساختمان مدرسه قدیمی گرگخان تجهیز شد تا پژوهشگران بتوانند به‌طور مستمر در منطقه مستقر شوند. چوبک معتقد است ایجاد این پایگاه، یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای تداوم پژوهش‌ها و آماده‌سازی پرونده ثبت جهانی بود.

به گفته او، همه اقدامات از همان ابتدا بر اساس منشورهای بین‌المللی حفاظت و مرمت آثار تاریخی انجام شد. مرمت‌ها با استفاده از مصالح سنتی، از جمله گچ نیم‌کوب، صورت گرفت تا اصالت بنا حفظ شود؛ رویکردی که بعدها یکی از نقاط قوت پرونده ثبت جهانی در ارزیابی یونسکو به شمار آمد.

چوبک می‌گوید: «شکل‌گیری یک پایگاه دائمی، حضور نیروهای بومی، مشارکت مردم منطقه و استمرار برنامه‌های حفاظتی، از مهم‌ترین عواملی بود که به اعتبار پرونده ثبت جهانی افزود. در این مسیر، ده‌ها متخصص از رشته‌های مختلف، از مهندسان و باستان‌شناسان گرفته تا مستندسازان، کارشناسان حفاظت، استادکاران، نگهبانان و راهنمایان محلی، در کنار یکدیگر فعالیت کردند.»

او می‌گوید: «بخش‌هایی از قلعه به دلیل شیب‌های تند و موقعیت صخره‌ای، عملاً غیرقابل دسترس بود. اما با طراحی پله‌های موقت توسط مهندس پروژه، داربست‌ها و سازه‌های چوبی، امکان دسترسی پژوهشگران به این نقاط فراهم شد و کاوش و حفاظت در بخش‌هایی از دژ که پیش‌تر دسترسی به آن ممکن نبود، ادامه یافت.»

این باستان‌شناس برجسته تأکید می‌کند که فعالیت‌ها تنها به خود قلعه محدود نماند. همزمان، مطالعات گسترده‌ای در سراسر منطقه الموت انجام شد؛ از بررسی روستاهای تاریخی و امامزاده‌ها گرفته تا شناسایی منابع طبیعی و محوطه‌های باستانی. مجموعه این پژوهش‌ها، در کنار کاوش‌ها و مستندسازی‌های میدانی، پایه علمی پرونده‌ای را شکل داد که پس از بیش از دو دهه تلاش، سرانجام به ثبت جهانی «دژ الموت و استحکامات دفاعی وابسته به آن» انجامید.

یافته‌هایی که روایت الموت را دگرگون کرد

چوبک معتقد است ارزش واقعی الموت تنها در استحکامات نظامی آن خلاصه نمی‌شود. به گفته این کاوشگر قلعه الموت، بیش از دو دهه کاوش‌های باستان‌شناسی نشان داد که الموت علاوه بر یک دژ دفاعی، مرکز مهمی برای حکمرانی، دانش و فعالیت‌های فرهنگی بوده است؛ موضوعی که نقش مهمی در تقویت پرونده ثبت جهانی ایفا کرد.

او می‌گوید: «همزمان با کاوش‌های باستان‌شناسی، مطالعات گسترده‌ای در سراسر منطقه الموت انجام شد. بررسی روستاهای تاریخی، امامزاده‌ها، محوطه‌های باستانی، منابع طبیعی و استحکامات وابسته، به شناخت بهتر ارزش‌های این منطقه انجامید و پایه علمی پرونده ثبت جهانی را شکل داد.»

به گفته این باستان‌شناس برجسته، پرونده ابتدا با عنوان «دژ الموت و منظر فرهنگی آن» در فهرست موقت یونسکو قرار گرفت، اما پس از چندین مرحله مطالعه و بررسی، عنوان آن به «دژ الموت و استحکامات دفاعی وابسته به آن» تغییر یافت؛ عنوانی که بهتر می‌توانست شبکه دفاعی منسجم این منطقه را معرفی کند.

چوبک می‌گوید: «نسخه نهایی پرونده در سال ۱۴۰۳ با مدیریت دکتر محمدحسن طالبیان و همکاری کارشناسان تکمیل و به یونسکو ارسال شد. پس از ارزیابی‌های میدانی و بررسی‌های تخصصی، این پرونده سرانجام در چهل‌وهشتمین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو در بوسان کره جنوبی به ثبت رسید.»

> چوبک معتقد است الموت در روزگار خود یکی از مراکز مهم تولید و تبادل دانش در جهان اسلام بوده و دانشمندانی از سرزمین‌های مختلف در آن حضور داشته‌اند. از نگاه او، همین پیوند میان دانش، معماری، مهندسی و نظام حکمرانی، یکی از مهم‌ترین دلایل پذیرش پرونده در یونسکو بود

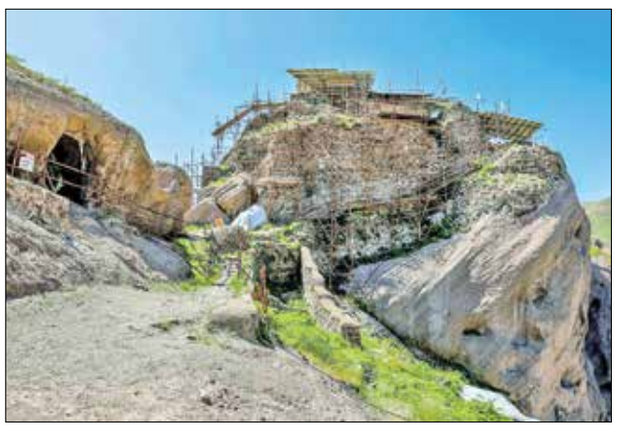

الموت؛ فراتر از افسانه‌ها

بخش دیگری از پژوهش‌های این باستان‌شناس برجسته، به بررسی روایت‌هایی اختصاص داشت که طی قرن‌ها درباره الموت شکل گرفته است. چوبک معتقد است بسیاری از این روایت‌ها ریشه در نوشته‌های نویسندگان و سیاحان غربی درباره اسماعیلیان دارد و در گذر زمان، با افسانه‌ها درآمیخته است.

او تأکید می‌کند که وظیفه باستان‌شناسی، داوری درباره افسانه‌ها نیست، بلکه اتکا به شواهد و مدارک تاریخی است. یافته‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد دژهای الموت استحکاماتی کم‌نظیر و تقریباً تسخیرناپذیر بودند و همین ویژگی در شکل‌گیری بسیاری از روایت‌های تاریخی نقش داشته است.

چوبک درباره داستان مشهور «بهشت حسن صباح» نیز می‌گوید شواهد باستان‌شناسی وجود کوشک‌ها، باغ‌ها، درختان انبوه، آبراهه‌ها و چشم‌اندازهای طبیعی زیبا را تأیید می‌کند، اما هیچ مدرکی وجود ندارد که این مجموعه همان «بهشت» توصیف‌شده در روایت‌های مشهور باشد.

کشف «ملاسرا» و اثبات جایگاه علمی الموت

به گفته این کاوشگر قلعه الموت، مهم‌ترین دستاورد کاوش‌های باستان‌شناسی، کشف بنای «ملاسرا» بود؛ بنایی که پیش از این تنها در متون تاریخی از آن یاد شده بود. این کشف نشان داد بسیاری از روایت‌های تاریخی درباره الموت، پشتوانه عینی و باستان‌شناختی دارند.

چوبک می‌گوید: «ملاسرا محل استقرار و نشست رهبران اسماعیلی بوده و کشف آن ثابت کرد که الموت صرفاً یک قلعه نظامی نبوده، بلکه مرکز حکمرانی، مدیریت و فعالیت‌های مذهبی نیز به شمار می‌رفته است.»

او همچنین به کشف بخشی از یک اسطرلاب و شواهدی از فعالیت‌های نجومی اشاره می‌کند و می‌گوید این یافته‌ها، در کنار منابع تاریخی، از جایگاه علمی الموت حکایت دارد. به گفته وی، حضور خواجه نصیرالدین طوسی در این دژ و نگارش آثار علمی در دوران اقامت او نیز بر همین اهمیت می‌افزاید.

چوبک معتقد است الموت در روزگار خود یکی از مراکز مهم تولید و تبادل دانش در جهان اسلام بوده و دانشمندانی از سرزمین‌های مختلف در آن حضور داشته‌اند. از نگاه او، همین پیوند میان دانش، معماری، مهندسی و نظام حکمرانی، یکی از مهم‌ترین دلایل پذیرش پرونده در یونسکو بود.

شبکه‌ای دفاعی با ارزش جهانی

این باستان‌شناس برجسته تأکید می‌کند که ارزش جهانی پرونده تنها به قلعه اصلی الموت محدود نیست. به همین دلیل، پرونده به صورت زنجیره‌ای تدوین شد و شش دژ دیگر نیز در کنار قلعه الموت در آن قرار گرفتند تا شبکه دفاعی اسماعیلیان به شکلی کامل معرفی شود. به گفته چوبک، این دژها در کنار یکدیگر سامانه‌ای منسجم برای مدیریت قلمرو، دفاع، ارتباطات و حکمرانی ایجاد کرده بودند؛ ساختاری که نمونه‌ای کم‌نظیر از تلفیق معماری با طبیعت کوهستانی البرز به شمار می‌رود و یکی از مهم‌ترین ارزش‌های جهانی این مجموعه محسوب می‌شود.

او تأکید می‌کند ثبت جهانی پایان راه نیست. به گفته چوبک، مهم‌ترین مسئولیت پس از ثبت، حفاظت از اصالت و یکپارچگی مجموعه است؛ موضوعی که باید با ادامه کاوش‌های علمی، مرمت اصولی، مدیریت گردشگری و اجرای برنامه جامع حفاظت دنبال شود.

اشک‌های بوسان پایان یک انتظار ۲۵ساله

یکی از ماندگارترین تصاویر چهل‌وهشتمین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو در بوسان، اشک‌های حمیده چوبک پس از اعلام ثبت جهانی «دژ الموت و استحکامات دفاعی وابسته به آن» بود؛ تصویری که به سرعت در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد. اما خود او از دیده شدن این لحظه، احساس دوگانه‌ای دارد.

چوبک می‌گوید: «از اینکه همه تصور کنند این موفقیت فقط حاصل کار من بوده، خوشحال نیستم. ثبت جهانی الموت نتیجه تلاش یک نفر نبود؛ صدها نفر در این مسیر نقش داشتند و نادیده گرفتن سهم آن‌ها، بیش از هر چیز مرا آزار می‌دهد.»

این باستان‌شناس برجسته می‌گوید تا آخرین لحظه نگران سرنوشت پرونده بود و هرگز تصور نمی‌کرد ثبت جهانی الموت را در دوران فعالیت حرفه‌ای خود ببیند. به گفته او، ارزش‌های تاریخی و فرهنگی این مجموعه برایش روشن بود، اما پیچیدگی روند ثبت جهانی باعث شده بود همواره نگران نتیجه نهایی باشد.

او درباره لحظه اعلام رأی یونسکو می‌گوید: «همه چیز غیرارادی بود. حتی متوجه نشدم چه زمانی اشک ریختم یا چه کسی آن لحظه را ثبت کرد. فقط احساس می‌کردم سال‌ها انتظار، نگرانی و تلاش به پایان رسیده است.»

چوبک تأکید می‌کند اگر از اتفاقی پس از ثبت جهانی خوشحال باشد، آن اتفاق توجه دوباره مردم به میراث فرهنگی است. به اعتقاد او، ثبت جهانی الموت سبب شد بسیاری از ایرانیان بار دیگر به ریشه‌های تاریخی و هویت فرهنگی خود توجه کنند؛ اتفاقی که از نگاه او مهم‌ترین دستاورد این موفقیت است.

نیم‌قرن باستان‌شناسی از هفت‌تپه تا الموت

کارنامه حرفه‌ای حمیده چوبک، نزدیک به پنج دهه فعالیت مستمر در باستان‌شناسی ایران را دربر می‌گیرد. او سال ۱۳۴۸ وارد رشته باستان‌شناسی دانشگاه تهران شد و نزد استادانی چون عزت‌الله نگهبان، سیمین دانشور و دکتر ملک آموزش دید. از سال ۱۳۵۴ نیز فعالیت حرفه‌ای خود را در مرکز باستان‌شناسی ایران آغاز کرد.

چوبک در طول این سال‌ها در پروژه‌های متعددی، از هفت‌تپه، شوش و تپه حصار دامغان تا موزه آبگینه، سعدآباد، هرمز، کیش، جازموریان و جیرفت حضور داشته است. او مدیریت کاوش‌های نجات‌بخشی جیرفت را نیز از مهم‌ترین تجربه‌های حرفه‌ای خود می‌داند؛ مأموریتی که پس از غارت گسترده آثار تاریخی این منطقه آغاز شد و به حفاظت از بخشی از میراث ارزشمند جیرفت انجامید.

با این حال، نام چوبک بیش از هر چیز با الموت گره خورده است. او از سال ۱۳۸۰ مدیریت این مجموعه را بر عهده گرفت و طی بیش از دو دهه، ۱۶ فصل کاوش باستان‌شناسی را در قلعه الموت و چند فصل دیگر را در دژهای وابسته، از جمله لمبسر، هدایت کرد؛ پژوهش‌هایی که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری پرونده ثبت جهانی داشت.

برش

راهی که هنوز ادامه دارد

چوبک معتقد است: «ثبت جهانی، پایان مسئولیت نیست؛ آغاز مرحله‌ای تازه است. او می‌گوید بر اساس تعهدات ایران به یونسکو، حفاظت اصولی، ادامه کاوش‌های علمی، توسعه زیرساخت‌های گردشگری، مدیریت بازدیدکنندگان و ایجاد موزه تخصصی الموت، مهم‌ترین برنامه‌های پیش روی این مجموعه است.»

این کاوشگر قلعه الموت تأکید می‌کند: «هیچ برنامه‌ای برای بازسازی گسترده دژ وجود ندارد و همه اقدامات باید در چارچوب ضوابط یونسکو و ایکوموس، با هدف حفظ اصالت و تمامیت اثر انجام شود.» او در پایان، از آرزویی سخن می‌گوید که هنوز محقق نشده است؛ نگارش کتاب جامع الموت. کتابی که قرار است حاصل سال‌ها پژوهش، کاوش و تجربه میدانی او باشد. چوبک امیدوار است فرصت تکمیل نقشه‌های دقیق و مطالعات نهایی فراهم شود تا بتواند پیش از پایان عمر، روایت علمی و مستند خود از یکی از مهم‌ترین دژهای تاریخی ایران را به یادگار بگذارد. برای حمیده چوبک، ثبت جهانی الموت پایان یک مسیر نبود؛ آغاز مسئولیتی تازه برای حفاظت از میراثی است که امروز، نه فقط به ایران، بلکه به همه بشریت تعلق دارد.